

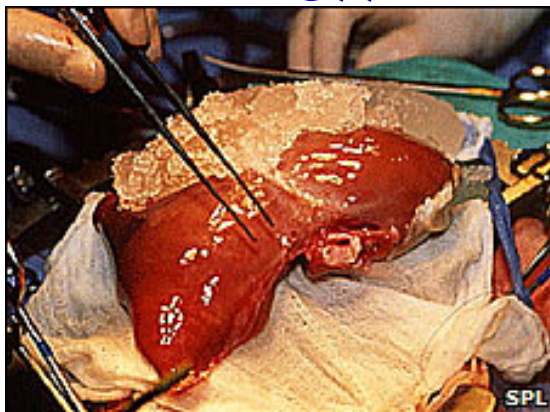
## کشور پشتونستان

نوشته: په په اسکویار  
ترجمه: نصرالله قاضی

در حالیکه واشنگتن سعی میکند "طالبان" را درهم بشکند - چه نفو طالبان باشد و چه سازمان تندرو "تحریک طالبان پاکستان" ۱ "منطق امپراطوری هرج و مرج برای توضیح استقرار دائمی نیروهای آمریکا و پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان و پاکستان "افیک" ۲ هرچه که باشد، تعداد فزاینده ای از پشتون ها که در دو سوی مرزهای ایندو کشور زندگی میکنند از موقعیت استفاده کرده و به طالبان به چشم عملی برای ایجاد کشور پشتونستان مینگرند

بقیه در صفحه ۵

## استفاده اسرائیل از اعضای بدن فلسطینیان کشته شده!



دکتر هیس می گوید اسرائیل از اعضای بدن فلسطینیان کشته شده برای پیوند عضو استفاده می کرده است!

بقیه در صفحه ۳

## آرایش صحنه سیاسی در ۱۶ آذر امسال تغییر کرده است

ناصر زرافشان در گفتگو با رادیو ندا

بقیه در صفحه ۳

## مقاومت شجاعانه مردم سیرجان در برابر اجرای حکم غیرانسانی اعدام طلبه ای امید بخش

در صبح روز سه شنبه اول دی ماه ۱۳۸۸ هزاران نفر از مردم سیرجان در اقدامی شجاعانه مراسم نفرت انگیز اعدام اسماعیل فتاحی زاده و محمد اسفندیارپور در ملاءعام که به ادعای مقامات رژیم به اتهام حمل و نگهداری سلاح جنگی و سرقت مسلحانه از بانک محکوم به اعدام شده بودند را برهم زده و آن دو نفر را فراری دادند.

دفاع از کارگران سندیکای هفت تپه یک وظیفه همگانی!

هیئت تحریریه سایت راه کارگر

## مایک خانواده هستیم



رضارخشان

بقیه در صفحه ۲

## بر ایرانیان گریه مکن!

در تهیه این مجموعه، ترانه های میهن تلخ، کسانی نقش بازی کرده اند که همگی برای آزادی تلاش کرده اند، یعنی میکیس تنودور اکیس، یانیس ریتسوس، احمد شاملو و سرانجام خواننده توانا ماریا فاراندوری. بیشتر آنها حتی بخش اعظم عمر خود را وقف دفاع از آزادی کردند و همه عمر به اصول آزادی و انسانیت وفادار ماندند.

بقیه در صفحه ۷

## مقاومت شجاعانه مردم سیرجان در برابر اجرای حکم غیرانسانی اعدام طلیحه ای امید بخش

در صبح روز سه شنبه اول دی ماه ۱۳۸۸ هزاران نفر از مردم سیرجان در اقدامی شجاعانه مراسم نفرت انگیز اعدام اسماعیل فتیحی زاده و محمد اسفندیاریور در ملاعام که به ادعای مقامات رژیم به اتهام حمل و نگهداری سلاح جنگی و سرقت مسلحانه از بانک محکوم به اعدام شده بودند را برهم زده و آن دو نفر را فراری دادند. محکومین فراری پس از چندین ساعت، مجدداً دستگیر شدند و قرار بود در بعدازظهر همان روز در ملاعام به دار آویخته شوند. این اقدام وحشیانه مقامات استان، بازهم با خشم مردم روبرو شده و جمعیتی حدود پنج هزار نفر در مراسم جمع شده و با نیروهای انتظامی درگیر شده و مانع اجرای احکام اعدام شدند. در این درگیری میان مردم و نیروهای انتظامی و امنیتی، طبق اعلام رسمی ۴ نفر از مردم کشته و بیش از ۳۰ نفر زخمی شدند. مأموران اجرای حکم مجبور شدند زندانیان را به زندان بازگردانده و در آنجا به داریاویزند.

اقدام شجاعانه مردم سیرجان از دو جهت در خور توجه جدی است. اول این که نشان می دهد انبوه مردم آن چنان از رژیم اسلامی متفتر شده اند که مبارزه شان را به سطح بالاتری ارتقاء داده اند و وارد رویارویی مستقیم با دستگاه سرکوب شده اند. نکته دوم اینکه شورش علیه اجرای احکام وحشیانه اعدام، آن هم در ملاعام، اولین اعتراض توده ای به این شیوه قرون وسطانی است. حکم اعدام به خودی خود حکمی ضدانسانی و نفرت انگیز است. اما اجرای آن در ملاعام و در جلو چشمان مردم، بسیار وحشیانه تر و واقعاً ددمنشانه است. حکومت اسلامی با اجرای این شیوه ها ی مجازات دوران عسرتی، قصد دارد از مردم زهرچشم بگیرد. از این روست که مدام اجرای احکام اعدام را به میدان شهرها منتقل می کند. چندی پیش دادگستری استان خوزستان با انتشار اعلامیه ای از مردم دعوت کرده بود تا برای تماشای اجرای احکام اعدام به میدان اصلی شهر در اهواز بیایند. هدف مقامات دولتی از بکارگیری این شیوه ی ضدبشری، ترساندن مردم، بویژه در شرایط خیزش توده ای کنونی است. بی جهت نیست که در طول یک ماه گذشته شاهد اجرای ده ها حکم اعدام در شهرهای گوناگون بوده ایم.

اما اقدام شجاعانه مردم سیرجان، راه جدیدی را به مردم نشان می دهد. مبارزات و اعتراضات مردم اصفهان نیز بیانگر مرحله ی جدیدی از مبارزات توده ای است. اکنون که مقاومت توده ای و اعتراضات مردمی سراسر کشور را فراگرفته است و دشمن تلاش دارد با شیوه های ددمنشانه به مقابله با مبارزات مردمی برخیزد و یا با اجرای احکام غیرانسانی اعدام در ملاعام به وحشت آفرینی روی آورد، باید که از مردم سیرجان یادگرفت و تلاش کرد هر جا که ممکن است مراسم علنی اعدام را بر هم زد و این نقشه شوم سوداگران مرگ را نقش بر آب کرد. سازماندهی اعتراضات توده ای در پشت در زندان هایی که قرار است فعالین سیاسی در آن اعدام شوند نیز می تواند یکی از اشکال اعتراضی به احکام اعدام علیه فعالین سیاسی باشد. هم اکنون ۵ نفر از فعالین سیاسی در تهران و ۱۲ نفر در کردستان با خطر اعدام روبرو شده اند. باید با سازماندهی تجمعات توده ای و اعلام همبستگی با خانواده های زندانیان سیاسی، موج اعتراضات توده ای علیه حکم اعدام را به موجی قدرتمند تبدیل کرد و جنبش توده ای برای لغو اعدام بوجود آورد. هم زمان باید که " شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را به یکی از شعارهای محوری جنبش مردمی تبدیل کرد و به سرکوبگران اسلامی اجازه نداد فرزندان زندانی این ملت را در شکنجه گاه هایش به بند بکشد. سازمان ما، به عنوان سازمانی که مخالف احکام اعدام بوده و برای لغو آن مبارزه می کند، از اقدام شجاعانه مردم سیرجان حمایت کرده و خواهان سازماندهی هرچه گسترده تر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و تلاش برای لغو اعدام می باشد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲دی ماه ۱۳۸۸ - ۲۳ دسامبر ۲۰۰۹

## دفاع از کارگران سندیکای هفت تپه یک وظیفه همگانی!

هیئت تحریریه سایت راه کارگر

اخیرا بعد از گشایش شماره حساب بانکی به نام چهره شناخته شده کارگران سندیکای هفت تپه (علی نجاتی) و زندانی شدن او و چهارتن از یارانش در زندان دزفول، یاری رسانی های مالی گسترده کارگران میدان تره بار سنجند و سایر هم طبقه ای هایشان با اسم ومشخصات کاری خود در داخل وسلسله اقدامات نهادهای همبستگی با کارگران ایران در خارج ازکشوربه فراخوان علی نجاتی،موجی از خشم وکین سردمداران نظام را برانگیخت وحکام شرع ضد کارگری رژیم را واداشت تا خانواده های آنان را زیر فشارقراردهند و بین جمعی ازخانواده های و صفوف متشکل کارگران تشنت ایجاد نمایند. دراین بین سه تن ازپنج خانواده زندانی رازیرفشار گذاشته تا صف خود را ازفراخوان یاری رسانی به خانواده های زندانی که توسط آقای علی نجاتی قیل از دستگیری وی صورت گرفته ، جدا سازند . اینان طی اطلاعیه به همگان یاد آورشدند : " روزشنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۸۸ وقتی ما خانواده های کارگران زندانی نیشکر هفت تپه برای پیگیری پرونده به دادگاه مراجعه نمودیم تا شاید بتوانیم مقدمات اعطای مرخصی برای همسرانمان را فراهم کنیم با کمال تعجب قاضی پرونده به ما گفت:" شماره حساسی از طرف رییس هیات مدیره سندیکا درسایت های اینترنتی برای جذب کمک های مالی اعلام شده است. قبلا هم گروههای معاند جمهوری اسلامی به شما کمک کردند. و به همین دلیل تا آخرین روز حکم با مرخصی همسرانان موافقت نخواهم کرد." ما ضمن محکوم کردن چنین اعمال ضد کارگری رژیم،جدایی در صفوف کارگران و بی توجهی درپراکندن اخبار وسیاست های مزبوحانه رژیم با ادعای خبررسانی را مضریه حال صف مستقل جنبش کارگری و مبارزات آنان و اتحاد عمل شان در این شرایط می شناسیم . انتشارنامه خود افشاء رضا رخشان،کارگرنیشکرهفت تپه، نشان از هشجاری ومسولیت شناسی طبقاتی و اعتراض به دخالتگری مسولین وحاکمین نظم سرمایه کرد. ما است . یاری رسانی مالی به خانواده های کارگران درایران ،پاسخگویی به وجدان طبقه اجتماعی در حال مبارزه با رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران و عملی انقلابی وانسانی ایست .ما به سهم خویش همه وجدان های آگاه جامعه ایرانی را فرا می خوانیم تا برای کوتاه کردن دست مداخله کننده گان به صفوف مبارزاتی کارگران ،یاری رسان آنا درامر مبارزاتی شان باشیم و به آنان ازهرطریق ممکن یاری رسانیم .

## مایک خانواده هستیم

رضارخشان

پس از دستگیری و زندانی کردن بخشی از اعضای هیات مدیره سندیکای هفت تپه متأسفانه اعمال فشار از جانب مقامات به کارگران و خانواده های آنان افزایش یافته است. همکاران ما را از کار اخراج کرده اند و به خانواده های آنان نیز گفته اند که به دلیل افتتاح حساب و دریافت کمک مالی از طرف رئیس سندیکا هیچگونه مرخصی به کارگران زندانی تعلق نخواهد گرفت. اینگونه اقدامات از جانب مقامات قضائی و دولتی و مسولین شرکت نه تنها مغایر با موازین انسانی است، بلکه همچنین با موازین قانونی کشور نیز مغایرت دارد.

در هیچ کدام از قوانین جزائی و کیفری مرخصی زندانی به اعمال پیش از دستگیری موکول نشده است. به خصوص آنکه این اعمال کاملاً در چهارچوب قوانین رایج کشور صورت گرفته باشد. باز کردن یک حساب بانکی در یک بانک داخل کشور و اعلام رسمی و علنی آن در هیچ قانونی جرم به حساب نمی آید. اکنون قاضی پرونده با چنین بهانه هایی مانع مرخصی کارگران زندانی می شود و به این وسیله هم به زندانیان و هم به خانواده های آنان فشاری وارد می کند که بر خلاف موازین قانونی است. افتتاح یک حساب بانکی دستاویزی است برای اعمال فشار و اگر هم این حساب وجود نداشت، بازهم قاضی بهانه دیگری برای این کار پیدا می کرد. همچنان که در روزهای اخیر به تلاشهایی هم که برای جمع آوری کمک مالی برای خانواده های زندانیان شده اند نیز گیر داده اند. این رسم و رسوم حتی در تاریخ اسلام هم بی سابقه است. کارگران هفت تپه خواهان قطع فوری این فشارها بر خانواده زندانیان و دادن اجازه دیدار زندانیان از خانواده های خود هستند.

از طرف دیگر لازم میدانم تاکید کنم که علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای ما است. ایشان بر مبنای قوانین رایج کشوری کاملاً و بدون هیچگونه مانعی حق افتتاح حساب بانکی را داشته و دارند. وجود نظرات متفاوت در این باره در سندیکا، مثل همه موارد دیگر، مسأله ای است در درون خانواده کارگری و هیچ خللی در مبارزه مشترک اعضای سندیکا

# آرایش صحنه سیاسی در ۱۶ آذر امسال تغییر کرده است

ناصر زرافشان در گفتگو با رادیو ندا

ناصر زرافشان در گفتگو با رادیو ندا گفت: "جامعه ما یک جامعه سریع التحولی است علی الخصوص ظرف یکی دو سال گذشته سرعت تحولات مرتب رو به تشدید و رو به افزایش بوده و طبیعاً تضادها هم تشدید شده است. بخصوص یکی دو سال [اخیر] ما پیوسته شاهد بسته تر شدن فضای سیاسی جامعه بودیم. برخوردهایی که با جنبشهای اجتماعی مختلف، تازه ترینش جنبش دانشجویی، حوادث ۱۶ آذر، جنبش کارگری، جنبش زنان، احکامی که اخیراً از دستگاه قضایی صادر میشود، بازداشت‌های گسترده و وسیع و احکام سنگین مجازات‌های اعدام متعدد، همه در واقع نموده‌های این تشدید سرکوب است که دو-سه مصداقش در بیاتیه [کانون نویسندگان] است. در واقع انگیزه بیاتیه هم اعتراض به همین وضعیتی است که متأسفانه روز به روز تشدید می شود."

او با اشاره به رویداد های روز ۱۶ آذر و برخورد جمهوری اسلامی و امریکا به این مناسبت، اضافه کرد: "اگر ظرف این ۵۶ سال جامعه این [روز] را در خاطر خودش نگه داشته، و اگر جنبش دانشجویی روز ۱۶ آذر را به عنوان روز دانشجو اعلام کرده، نشان این است که این حرکت و مضمون سیاسی - اجتماعی اش مضمونی است که مورد قبول جامعه بوده است. مضمونی است که نمونه معرف کل نگاه جریان دانشجویی در این سالها بوده است. اما شگفت انگیز است که از یک طرف می بینید که جمهوری اسلامی به شدت و با دامنه ای که سابقه نداشته این جریان را سرکوب میکند و از طرف دیگر هم طی آن همه سال بی اعتنایی به ۱۶ آذر میکرد (و طبیعی هم بود) و بدون اعتنا از کنارش میگذاشت و امریکاییها روی خوش نشان نمیدادند، با تمام ظرفیت رسانه ای شان امسال اخبار جریانات مربوط به ۱۶ آذر و دستگیریها و مسائل مربوط به حاشیه اش را پوشش دادند. خوب، اینها تماشای دلایل تشدید مبارزه مردم و گسترش مبارزه مردم است که واقعا می بینید موضع گیری های نیروهای مختلف سیاسی تغییر کرده است. زرافشان افزود: "با تشدید آهنگ تحولات جامعه الان وقتش است که توی هیجانات و تب و تب شعارها و احساسات تند و شعارهای تند یک مقداری هم فکر بکنیم. عنصر تفکر جایش الان خالی است. یک مقدار بیشتر به تحلیل مسائل بپردازیم ضمن اینکه البته به اعتراض به سرکوب، اطلاع رسانی در مورد تشدید سرکوب جای خودش را دارد. " ناصر زرافشان در ادامه خاطر نشان کرد: "به هر حال بیاتیه [کانون نویسندگان] در اعتراض به حوادث ۱۶ آذر، دستگیری مادران و پیش از آن برخوردی که در امامزاده طاهر با مراسم یادبود جان باختگان مختاری و پوینده صورت گرفته بود و عجیب است که نظام جمهوری اسلامی کسانی را به عنوان قاتل گرفته و ظاهراً تعقیب کرده پرونده ای تشکیل شده (حالا رسیدگی آنچنان که باید و شاید صورت نگرفته) و پرونده را جمع کردند. ولی این در محضر جامعه صریحاً اقرار شده که اینها به عنوان قاتل و جانی یک عده را تعقیب کرده ولی سالگرد این اتفاق را نمی توانند تحمل کنند ؛ حتی در سکوت، حتی در گورستان. خوب، اینها همه دلایل تشدید و گسترش مبارزات مردم است."

زرافشان در پاسخ به این پرسش که آیا روز ۱۶ آذر امسال محدود به دانشجویان و در محدوده دانشگاهها باقی ماند یا از حمایت مردمی برخوردار شد، گفت: "نه، نه، امسال ۱۶ آذر وضعیت متفاوتی داشت. در شرایطی ۱۶ آذر برگزار شد که با توجه به رویدادهای شش ماه گذشته جامعه ملتهب بود و هست. از یک طرف حساسیت و میزان توجهی که به این روز چه از ناحیه مردم و جامعه و چه از طرف دستگاههای حکومتی شد به مراتب شدیدتر و حساسیت بالاتر از سالهای گذشته بود. از طرف دیگر آرایش صحنه سیاسی هم در مقایسه با سالهای پیش دگرگون شده بود و نگاه بسیاری از جریانهای سیاسی به روز ۱۶ آذر در مقایسه به رفتار گذشته شان، رفتار سنتی شان تغییر کرده بود و این دقیقاً دلایل گسترش و تعمیق مبارزات مردم است. کاملاً شاهد بودیم که مردم حمایت فعال از جریان دانشجویی میکردند. البته این [حمایت] مسبوق به سابقه است. درسالهای گذشته هم این اتفاق افتاد و مراسم شانزده آذر به بیرون از دانشگاهها کشیده شد. ولی امسال خیلی محسوس تر بود." او در پاسخ به پرسش تلاش برای مصادره روز دانشجو از سوی جریان موسوم به موج سبز گفت: "آن چیزی که من در روزهای گذشته توی رسانه های مختلف علی الخصوص در رسانه های راست شاهدش بودم

برای یک زندگی بهتر وارد نمی کند. این اختلاف نظرها مانع از آن نیست که اعضاء سندیکا یکدل و همزبان حقوق حقه خود را طلب کنند. همه مخالفین اتحاد کارگران بدانند که حق سوءاستفاده از اینگونه اختلاف نظرات را نخواهند داشت و ما کارگران چنین امکانی را برای آنان فراهم نخواهیم کرد و خود این اختلاف نظرات را به بهترین شکلی حل خواهیم کرد. چراکه مادران یک خانواده هستیم.

آزادی کارگران زندانی هفت تپه و همچنین سایر کارگران زندانی خواست همه ما است. همبستگی وسیع کارگران واحدهای دیگر و تشکلهای کارگری در روزهای اخیر نشان داد که این خواست همه فعالین کارگری است. ما یکباردیگر برای خواست پافشاری نموده و اعلام میکنیم که مقامات بهتر است به جای اعمال فشار بر کارگران و خانوادههای آنان، مطالبات برحق ما را پاسخ دهند. ما دستمزد مناسبی میخواهیم که به طور مرتب درازاء کارما پرداخت شود و برای خانوادههای ما امکان یک زندگی شرافتمندانه را فراهم کند. ما آینده امنی برای فرزندان خود میخواهیم که مشاغل پدرانشان در خطر از بین رفتن قرار گرفته است. ما بهداشت مناسب، امکانات آموزشی مناسب، مسکن مناسب و زندگی همراه با حداقل تفریحات لازم را میخواهیم. زندان و فشار پاسخ این مطالبات نیست. ۲۷/آذر/۱۳۸۸

## استفاده اسرائیل از اعضای

## بدن فلسطینیان کشته شده!

دکتر هیس می گوید اسرائیل از اعضای بدن فلسطینیان کشته شده برای پیوند عضو استفاده می کرده است!

یک پزشک اسرائیلی اذعان کرده است که در دهه ۱۹۹۰ از اعضای بدن فلسطینیان و اسرائیلی ها بدون اجازه خانواده های آنان، برای پیوند عضو استفاده می شده است.

دکتر یهودا هیس، می گوید هنگامی که وی رئیس انستیتوی پزشکی قانونی ابو کبیر بود، از قرنیه چشم، پوست، دریچه قلب و استخوان قریبانیان برای پیوند استفاده می شده است.

دکتر هیس در مصاحبه با یک دانشگاه آمریکایی گفت کارمندان انستیتو پس از برداشتن قرنیه های چشم، برای این که کسی متوجه این کار نشود، با استفاده از چسب پلک های جسد را می بستند.

ارتش اسرائیل تایید کرده که این روش قبلاً معمول بوده ولی می گوید یک دهه قبل پایان یافته است.

در گزارش مربوط به این موضوع که از تلویزیون اسرائیل پخش شد از بخش هایی از مصاحبه دکتر هیس نیز استفاده شده بود.

بتانی بل، خبرنگار بی بی سی در بیت المقدس می گوید این گزارش یادآور مقاله یک روزنامه سوئدی است که مدعی شده بود سربازان اسرائیلی به خاطر فروش اعضای بدن فلسطینیان اقدام به قتل آنان می کرد.

روزنامه آفتونبلادت، پرتیراژترین روزنامه سوئد در یکی از شماره های ماه اوت خود سربازان ارتش اسرائیل را متهم کرده بود که اعضای بدن فلسطینیان کشته شده را می فروشند. در این گزارش، فروش اعضای بدن فلسطینی ها از سوی یک مقام ناشناس سازمان ملل تائید شده بود.

دولت اسرائیل این اتهام را به شدت رد کرده و گزارش روزنامه سوئدی را یهودستیزی خوانده بود و از دولت سوئد خواسته بود انتشار این گزارش را محکوم کند.

اما دولت سوئد گفته بود این امر مغایر با حق آزادی بیان است. این مناقشه سبب شد که کارل بیلد، وزیر خارجه سوئد به دلیل تنش میان دو کشور، سفر برنامه ریزی شده خود به اسرائیل را لغو کند

## توده

توده کوچک

بی شمشیر و بی گلوله می جنگد

برای نان همه

برای نور و برای سرود.

در گلو پنهان می کند

فریادهای شادی و دردش را،

چرا که اگر دهان بگشاید

صخره ها از هم بخوابد شکافت.

باتیس ریتسوس. شاعر یونانی

یکجوری تلاش برای انتساب جنبش دانشجویی به باصطلاح موج سبز بود که گمان می‌کنم یک مقداری خلاف واقع و یک مقداری جوهر فرصت طلبی در آن هست. علیرغم تمام حرمتی که برای تمام کسانی که در راه حقوق اجتماعی شان مبارزه می‌کنند به هر حال قائل هستیم (و باید هم باشیم) گمان می‌کنم آنچه که رسانه‌های راست در برخورد با ماجرای ۱۶ آذر و تلاش برای انتسابش به موج سبز کردند یک مقداری خلاف واقع بود. فکر می‌کنم جا دارد این یک مقداری روشن شود. کسانی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بودند با دیدگاه‌های متفاوت در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی. فضای جامعه در جریان مبارزات انتخاباتی ملتهب تر از موارد عادی میشود. بخصوص در ۲-۳ نوبت انتخابات ریاست جمهوری که در طی سالهای گذشته صورت گرفته ما شاهد تشدید این التهابات موقع انتخابات بوده ایم. این فضای ملتهب زمینه ای می‌شود برای ترکیب بغض ۳۰ ساله مردم. مردمی با اعتقادات سیاسی متفاوت، چشم اندازهای سیاسی متفاوت و خواسته‌های متفاوت. نه عقل این را می‌پذیرد و نه انصاف که همه این نیروی پنهان ناراضی را هواداران این یا آن کاندیدای انتخاباتی با پیرو آن قلمداد کنیم. وی در بخش دیگری از سخنان خود یادآور شد: "مگر در سی سال گذشته جامعه ایران، مردم ایران، در خلاء و در بیرون تاریخ زندگی کرده اند که همه آن سی سال و کشتارهای هول انگیز و سرکوب‌هایی که در این سی ساله علی‌الخصوص در دهه شصت صورت گرفت و واکنش نتایج همه آنها را، ندیده بگیریم و همه آنها را به حساب انتخابات اخیر و اعتراضات کاندیداهای این انتخابات بگذاریم؟ چنین ادعاهایی یک مایه فرصت طلبی در آن هست. آیا در یازده اردیبهشت همین امسال در جریان تظاهرات روز اول ماه مه، پیش از انتخابات، آن سرکوب شدید و دستگیری‌های گسترده که در پارک لاله صورت گرفت، بخاطر اعتراض به نتایج انتخابات بود؟ آیا آن سرکوب شدید و دستگیری گسترده دانشجویان چپ در ۱۶ آذر دو سال پیش که احکام سنگین محکومیتشان هنوز هر روز صادر و ابلاغ می‌شود، به انتخابات امسال ربطی داشت؟ آیا مبارزات کارگران شرکت واحد و کارگران نیشکر هفت تپه (که امثال اینها فراوانند و از سالها پیش ادامه داشته) اینها بعد از انتخابات شروع شده بود و به انتخابات و نتایج انتخابات ربطی داشت؟ این فهرست را میشود با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و اعدام‌های قبل از آن در تمام دهه شصت تا آنجاها پیش برد.

در این بغض ۳۰ ساله ای که در فضای ملتهبی که بعد از انتخابات ترکیب، از چپ گرفته تا میانه و لیبرال و سلطنت طلب از هر طیفی حضور و فعالیت داشتند (و طبیعی هم است.) و بدیهی است که هر کدامشان در راه رسیدن به اهداف خودشان فعالیت می‌کردند. انتساب همه این جریان‌ها به یک جریان نامشخص و بی‌چهره ای - تا اینجا - موسوم به موج سبز یک مقداری از لحاظ تبلیغاتی با فرصت طلبی‌های سیاسی قابل فهم و توجیه است ولی از تحلیل سیاسی دور است. به عنوان مثال همین ۱۶ آذر یک پیشینه ۵۶ ساله ای دارد و عمر موج سبز ۶ ماه است. آیا یک جنبش که ۵۶ سال پیش شروع شده می‌تواند از موجی ناشی شده باشد که خودش بیش از ۶ ماه از عمرش نگذشته است؟" او با اشاره به تقلاهای یک نماینده سابق مجلس جمهوری اسلامی مقیم فرانسه در گفتگو با تلویزیون بی بی سی که "جنبش دانشجویی کاملاً مدنی و تابع موج سبز است" و صدای امریکا برای القای مرتبط بودن آن به موج سبز، به رادیو ندا گفت: "تلاش همه کسانی که در راه حقوق و آزادی‌های اجتماعی مبارزه می‌کنند مغتنم و با ارزش است. از همه باید حمایت کرد. اما در اطلاع رسانی درست و منطبق با واقعیت، در انتقال تصویر واقعیت اجتماعی اگر قرار باشد این اطلاعات و این تصویر مبنای شناختی از وضع جامعه برای ترسیم مسیر آینده باشد، اگر قرار باشد که اطلاعاتی که ما بگیریم که برای تمیز راه از چاه به ما کمک کند، این اطلاعات باید منطبق با واقعیت باشد و کسی وضع مطلوب خودش را به جای وضع موجود معرفی نکند. زرافشان افزود: "جنبش اجتماعی یک مجموعه تصادفی از تعدادی از مردم نیست که به مناسبت خاص و یا یک روز خاص در یک مقطع خاص گرد هم جمع می‌شوند. یک حرکت برای اینکه جنبش اجتماعی بشود، برای اینکه مداومت داشته باشد که شرط جنبش است، وصف جنبش اجتماعی است، یک مولفه‌هایی دارد. جنبش اجتماعی از همه چیز واجب تر یک فکر و یک تفکر سیاسی مشخص باید مبنایش باشد. حداقل اش یک چشم انداز مشترک، اعتقادات سیاسی مشترک، یک هدف مشترک. و یک اشتراک بدون شالوده اقتصادی - اجتماعی ممکن نیست. حداقل سازمان و برنامه کار را می‌خواهد. بدون اینها نمیشود از جنبش اجتماعی صحبت کرد. اگر هیچ کدام از اینها وجود نداشته باشد و فقط هر وقت مناسبتی در کار بود، هر وقت روز خاصی

بود، توده ای از مردم که به هر حال هر گروهشان دیدگاه سیاسی و اجتماعی خاص و خواسته‌های خاص متفاوت دارند با ماهیت اجتماعی و سیاسی متفاوت، در این روزها و مناسبت‌ها حرکتشان با هم تلاقی و تداخل بکند این را نمیشود اسمش را جنبش اجتماعی گذاشت.

و در ادامه خاطر نشان کرد: "من میدوایم به کسی برنخورم. من توی این موج سبز فکر و تفکر نمی‌بینم. اگر اتفاقی را که افتاد و منجر به حوادث این ماهها شد شما از ابتدایش که مسئله انتخابات بود مرور بکنید و ببینید جلو این را تایید می‌کنید که تفکر توی این [موج سبز] نیست. جریان‌های مختلف اجتماعی با تفکرهای خاص خودشان هستند که توی یک روزهای خاص به مناسبت‌های خاص همراه هم اعتراض می‌کنند. اما این یک جنبش اجتماعی نیست. خوب، البته طبیعی است که عناصر داخلی هم دارد و عده ای فرصت طلب هم طبیعی است که خودشان را میان معرکه می‌اندازند. نمایندگان خود گمارده این جریان در داخل و خارج هم کم نداریم. اگر مولفه‌ها نبود یک فرد (هر کس که می‌خواهد باشد) نمی‌تواند عقد اتصال و واسطه جمع کردن همه به عنوان نماد جای خالی این شرایط و مولفه‌ها را پر بکند.

زرافشان ادامه داد: "ما با همچو وضعیتی در واقع الان رویرو هستیم و خیال می‌کنم وقتی این مولفه‌ها هر کدامشان وجود نداشته باشند نمی‌شود با تولید و توزیع یک مقدار جریان سبز بین عده ای از مردم جای خالی همه اینها را پر کرد و یک جنبش اجتماعی با آن بوجود آورد. به هر صورت تا جایی که به نسبت و رابطه جنبش دانشجویی و جنبش اجتماعی مربوط میشود من جنبش اجتماعی را بیشتر صاحب هویت، صاحب چهره و ارتباطاتش را با موکلینش یعنی کل جامعه قویتر می‌بینم. و امسال مخصوصاً بدلیل تشدید شرایط، حمایت گسترده مردم را نه در تهران بلکه در اکثر شهرهای بزرگ از جریانات دانشجویی دیدیم. او با تاکید بر ضد استبدادی بودن جنبش دانشجویی که ریشه‌هایش در جامعه عمیق تر است افزود: "شما اگر به شعارهای ۱۶ آذر دقت بکنید تفاوت ماهوی این شعارها را با مناسبت‌های قبلی خواهید دید." وی در پایان در پاسخ به چگونگی حمایت از دستگیر شدگان گفت: "خیال میکنم میرم ترین وظیفه مان اینست که این جریانات را حول خواسته‌های خودشان متشکل کنیم. این هزینه‌ها و این تلفات، این آسیبه‌ها در پروسه طبیعی قضیه است. آنچه از دستمان بر می‌آید در حمایتشان، هر اطلاع رسانی، در دادن سرویس حقوقی تا آنجا که ممکن است. من علیرغم اینکه خودم یک وکیل دادگستری هستم ولی [وقتی] به واقعیت جامعه نگاه میکنم به ظرفیتهای حقوقی آن چنانکه بعضی‌ها معتقدند خیلی معتقد نیستم. معهدا خیال می‌کنم آنچه در توان داریم برای کمک به اینها برای تقویت وضع خانواده‌ها از طریق سازماندهی صندوق‌هایی برای دستگیر شده‌ها، از طریق سازماندهی فعالیتهای داوطلبانه کسانی که داوطلب کار حقوقی و پیگیری پرونده‌های حقوقی هستند و از طریق سازماندهی خود این جنبشها حول خواسته‌هایشان، باید کمک کرد. اینها مسائلی است که زمان می‌برد؛ میدانم. مسائلی است که یک روزه و دو روزه اتفاق نمی‌افتد. و معجزه ای هم صورت نمی‌گیرد که ما را از انجام آنها معاف بکند. اما وظایفی است که تا انجام نشود انجام نشده باقی خواهد ماند. این را نباید فراموش بکنیم. ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ - برگرفته از سایت سازمان اتحاد فدائیان خلق

## در گزارش کمیته ویژه نامی از متهمان

### فجایع کهریزک برده نشده است

ایلنا: یک عضو کمیته ویژه پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات (فرهاد تجری نماینده قصر شیرین - نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، اطلاع داد که:

در این گزارش از هیچ‌کس اعم از بازداشت‌شدگان و متهمان فجایع کهریزک نامی برده نشده است. او اضافه کرد از آنجایی که موارد اتهام و ذکر نام افراد در مقام تشخیص قاضی و مستلزم پیگیری قضایی است، در این گزارش به آن اشاره نشده و هیچ نامی ذکر نشده است.

وی در رابطه با اینکه چه زمانی بازداشت‌شدگان حوادث اخیر آزاد خواهند شد اضافه کرد: در حال حاضر از روند پرونده بازداشت‌شدگان و احتمال آزادی آنان اطلاع جدیدی ندارم.

۱ دی ۱۳۸۸



## کشور پشتونستان

نوشته: په په اسکویار  
ترجمه: نصرالله قاضی

### بخش اول: باید راه خروجی باشد

در حالیکه واشنگتن سعی میکند "طالبان" را درهم بشکند - چه ننو طالبان باشد و چه سازمان تندرو "تحریک طالبان پاکستان" - منطق امپراطوری هرج و مرج برای توضیح استقرار دائمی نیروهای آمریکا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان و پاکستان "افیک" هرچه که باشد، تعداد فزاینده ای از پشتون ها که در دو سوی مرزهای ایندو کشور زندگی میکنند از موقعیت استفاده کرده و به طالبان به چشم عاملی برای ایجاد کشور پشتونستان مینگردند .

پنتاگون دقیقاً میدانند چگونه بازی جدیدش را در اوراسیا پیش ببرد و آن بالکانیزه کردن افیک است . یعنی تجزیه هر دو کشور افغانستان و پاکستان . این بمعنای ایجاد یک پشتونستان مستقل و یک بلوچستان مستقل است . در واقع منطق امپراطوری هرج و مرج همان منطق قدیمی امپراطوری بریتانیاست که میگوید تفرقه بیاداز و حکومت کن تا شاید کنترل مناطق بیشتری را بدست آورد .

### ناسیونالیسم پشتون

قبایل پشتون از شرق افغانستان تا غرب پاکستان هیچگاه اتحاد قبیله ای خود را از دست نداده اند . کسانی که با مسائل افیک آشنایی دارند میدانند که این منطقه هنوز بهای وفاداری به اتحاد قبیله ای خود را میپردازد . منظوری زمانی است که در مقابل سیاست تفرقه بیاداز و حکومت کن انگلیسها ، در سال ۱۸۹۷ پشتونها را در دو سوی خط مرزی مصنوعی "دوران" از هم جدا کردند . این خط مرزی دست ساز انگلیسها هنوز مرز رسمی بین افغانستان و پاکستان میباشد . کسانی که از این خط مرزی عبور کرده اند مثلاً از شهرک ترخام در پانین دره خیبریه آنسوی مرز عبور کرده اند میدانند که مرز معنایی ندارد و امواج مردمی که از یکسو بسوی دیگر میروند همه فامیل یکدیگرند . پشتون ها تا بحال آرزوی بازگشت به شرائط قبل از استعمار و ایجاد دولت "ذرائع" افغان که بخشهای وسیعی از پاکستان امروز را در بر میگیرد ، از دست نداده اند .

کمتر کسی متوجه شده است که اخیراً پشتونها روی یکی از تقاضاهای پایه ای خود اصرار میورزند و آن تغییر نام استان مرزی شمال غربی پاکستان به پختون خوه (بمعنای سرزمین پشتونها) میباشد . جلو این خواسته توسط پنجابی های مسلط در پاکستان در سپتامبر امسال گرفته شد . لذا ملی گرایان پشتون در شهر تاریخی پیشاور که مرکز این استان هم میباشد دست به اعتراض زدند . آزادیخواهی ملی پشتونها در اوج خود است و چه گواراهای پشتون هم اکنون فرمان تسلیح همگانی را صادر کرده اند . اما هر چقدر که واشنگتن به جنگی که بر علیه پشتونها از سال ۲۰۰۱ شروع کرده است - و این روزها از دولت مطیع خود آقای آسف علی زرداری در اسلام آباد هم کمک میگیرد - ادامه دهد کار خارق العاده ای نکرده است . همه چیز به ضرب المثل معروف اوایل قرن بیست و یکم بر میگردد که میگوید هر طالبان یک پشتون است اما هر پشتون یک طالبان نیست . شاخه های قابل ملاحظه ای از پشتونهای غیر مذهبی هم وجود دارند که "تحریک طالبان پاکستان" ، دکماتیسم و اصول گرایی اسلامی آنان را قبول ندارند حتی اگر که توده های پشتون به "تحریک طالبان پاکستان" به چشم وسیله ای برای رسیدن به پشتونستان بنگرند .

اگر به مسیری که پول به دست پشتونها میرسد بنگریم میبینیم که مثل قبل اسلام آباد آنها را کمک نمیکند بلکه متولین مذهبی و بازرگانان متعهد و ثروتمند خلیج فارس هستند که آنها را حمایت مالی میکنند . حامیان مالی بیش از اینکه به آزادیهای ملی در پشتونستان علاقه مند باشند به جهاد اعتقاد دارند و این خود حقانیت طالبان را بعنوان وسیله ای برای رسیدن به استقلال پشتونها زیر سوال میبرد . در عین حال اگر "تحریک طالبان پاکستان" و پشتونهای متحدش بتوانند با حمایت یا بدون حمایت جهادیون دالان استراتژیکی که بخش شرقی افغانستان و بخش غربی پاکستان را شامل میشود تحت کنترل خود درآورند و کنترلی نسبی برشهر پیشاور داشته باشند دستاورد عظیمی برای آنان خواهد بود . بدین معنا که یک شیخ نشین اسلامی بنام پشتونستان تاسیس کرده اند .

عوامل دیگری غیر از "تحریک طالبان پاکستان" برای هموار کردن راه پشتونستان نیز وجود دارند . کمکهای اقتصادی غرب و برنامه های کمک های امدادی به افیک تا بحال بسیار حقیر و ناچیز بوده و هیچگاه به دست پشتون های معمولی نرسیده است . افشاء این خبر محرمانه ای در آمریکا هیچوقت در افغانستان سرئی نبوده که آقای احمد ولی کرزایی یعنی برادر برنده انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در لیست حقوق بگیران سیا بوده است . این خبر آخرین شک و شبیهات را از اینکه از کابل چیزی دستگیرشان شود راز بین برده است .

رسانه های دولتی ایالات متحده در زمان معرکه گیری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان متوجه شدند که کارنیروهای امنیتی آمریکا و ناتو رشوه دادن به سران پشتون برای تحصیل امنیت و برای جلوگیری از مین گذاری بوده است . اما رشوه همه کارها را انجام نمیدهد مثلاً طالبان از طریق وزیر امور خارجه پیشین خود ملا متوکل ، پیشنهاد آمریکا مبنی بر استقرار هشت پایگاه دائم نیروهای ناتو در شرق استان طالبان نشین را رد کرد .

سازمانهای امنیتی و نظامی اسلام آباد که خود دولتی در دولت هستند در واقع زانده ای از دولت واشنگتن میباشند . پشتونها حمله اخیر به وزیرستان را با تسلیم زرداری به واشنگتن یکی میدانند و میگویند وی مثل بوش شرف یعنی پرویز مشرف است . هر دولت نا کارآمدی در پاکستان مثل این دولت یا دولتی دیگر ، ذره ای شانس برای کنترل سرزمینهای افغان که پس از ایجاد خط دوراند در خاک پاکستان قرار گرفته است را ندارد . فقط در سال ۲۰۰۹ بیش از دو میلیون پشتون اجباراً آواره شده اند . در باره نسل کشی پشتونها کم گفته نشده است .

بنابراین اگر واشنگتن بتواند خط پنتاگون را پیش ببرد باید بتواند خیلی ساده تر و با خونریزی کمتری به هدف خود برسد: یک یوگسلاوی دیگر ایجاد کنیم . بالکانیزه کنیم . امپراطوری دزرانی افغان ها را بر پا کنیم .

### بار دوم

اقوام ساکن در دو سوی مرز جزم قبایل پشتون و بیشتر روستایی اند . آنان بهمان اعتقادات و رسوم مذهبی ای معتقدند که مدارس " دیوبندی " فوق ارتجانی سنی ، در جنوب آسیا آن عقاید را ترویج میکنند . شبکه های وسیعی از این مدارس در پاکستان ایجاد شده است . با یک سفر به شهرک " اسپین بولدک " در جنوب افغانستان میتوان دید که درآمد پشتونها از قاچاق کالاهای مختلف و بویژه قاچاق مواد مخدر بین شهرهای قندهار و کوئته بدست میاید و کسانی که در کار قاچاق نیستند یا به حمل و نقل مشغولند ویا به تجارت الوار . پول رد و بدل شده از این فعالیتها در دست استثمارکارگران پشتون در حوزه خلیج فارس بسیار زیاد است .

از نظر سیاسی اهزایی چون جماعت علمای اسلامی پشتونها را نمایندگی میکنند . از نظر دیپلماتیک با کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی روابط نزدیکی دارند . از نظر نظامی تنها " تحریک طالبان پاکستان " نیست که آنان را حمایت میکند بلکه از سوی گروه های بیشتر طالبان حمایت میشوند . از نظر استراتژیکی میتوان آنان را همچون یک نهضت ناسیونالیست فوق مذهبی روستایی نگریست که با چنگ و دندان با دولت فاسدی که در مناطق شهری مستقر است میجنگند و انسان را بیاد رمان ژان ژاک روسو میاندازد که آدمهای خوب قبایل وحشی با سربازان مستعمره چیان میجنگیدند .

البته نیروهای چپ یعنی روشنفکران غیر مذهبی پشتون اینطور فکر نمیکنند بلکه آنها معتقدند که سازمانهای امنیتی مملو از مأمورین پنجابی هم طالبان و هم ارتش پاکستان را کنترل میکنند ، لذا چپها خواهان نابودی هر دو اند . گروهی ناسیونالیستی مثل " نهضت آگاهی پشتون " معتقد است که پشتونها باید خودشان بتوانند خود را از شر طالبان خلاص کنند نه توسط ارتش پاکستان که تحت کنترل پنتاگون است . از نظر حزب ملی عوامی پشتون که در نواحی شمال شرق پاکستان در قدرت است و باید با اسلام آباد کار کند آرزوی ایجاد پشتونستان آرزویی بسیار دور دست است .

۱- تحریک طالبان پاکستان (نهضت دانشجویی پاکستان)  
اصلی ترین پوشش تندروی طالبان در پاکستان و مخالف دولت مرکزی.

۲- افیک - افغانستان و پاکستان .

۳- خط مرزی دوران بین افغانستان و پاکستان به امتداد ۲۶۴۰ کیلومتر پس از موافقت نامه خط دوران در سال ۱۸۹۳ میلادی بین سرهنگی مورتیمر دوران وزیر امور خارجه وقت مستعمرات بریتانیایی هند و امیر عبدالرحمان خان حاکم وقت افغانستان امضاء شد.

۴- حکومت دُرّانی در افغانستان از ۱۷۵۰ میلادی .

۵- دیوبندی در زبان اردو کسی است که از روش نهضت دیوبندی اسلام پیروی میکند. این نهضت در دارالعلوم شهر دیوبند هند در سال ۱۸۶۶ بنیان گذاشته شد و عمدتاً تابع تسنن حنفی میباشد .

۶- شهر اسپین بولدک متعلق به استان قندهار در جنوب افغانستان و در کنار خط مرزی دوران با پاکستان است .

قسمت دوم

#### جداشدن مشکل نیست

ژنرال استالنی مک کریستال فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان در داخل آمریکا بعنوان یک سردار جنگی و نمونه ای از بهترین و باهوش ترین سرباز قرن بیستم و یکم معرفی میشود. ممکن است وی جنگاوری با هوش و بیختر شبیه کلنل کورتز باشد تا شبیه کاپیتان میلارد در فیلم آپوکی لپیس (آخر زمان) ساخته فرانسویس فورد کوپولا. میدانیم که مک کریستال فرمانده یک جوخه نخبه مرگ در عراق بود و با وجود آنهمه برنامه های اجتماعی اش برای پیشگیری از درگیری بین سربازان این فیلسوف جنگجو و شورشیان عراق ، بنظر میرسد که راجع به پشتونها هیچ نمیداند.

مک کریستال تعجب میکند که چرا اینهمه جوان پشتون به طالبان مپیوندند . دلپیش این است که رژیم کابل بغایت فاسد است، دلپیش این است که آمریکایی ها خانه های آنان را بمب باران کرده و دوستان و فامیل آنها را کشته اند ، دلپیش این است که با پیوستن به طالبان میتوانند برای خود موقعیت اجتماعی کسب کنند . آنها خود را به دلار بی ارزش شده آمریکا نمی فروشند . هدف نهایی آنها بیرون کردن اشغالگران و استقرار امیرنشین افغانستان است که با قوانین اسلامی اداره شود. از این زاویه سربازان مک کریستال با سربازان روسی ارتش سرخ که در سالهای ۸۰ با افغانستان وارد جنگ شدند هیچ فرقی نمیکند.

مک کریستال با آنهمه حرف در مورد " امنیت مردم" هنوز نتوانسته انتظار مردم آمریکا را برآورده سازد . افغانها میدانند که اگر کسی به طالبان کاری نداشته باشد طالبان هم به کسی کاری نخواهد داشت. اگر کسی مزرعه کشت خشکاش دارد طالبان فقط مالیات را میگیرد و بس.

این سیستمی که مک کریستال میخواهد دل مردم پشتون را بدست بیاورد وی را بجایی نمیرساند. سربازان مک کریستال که یک کلمه پشتو نمیدانند چگونه میخواهند با یک روستایی طالبان که خود را در جهاد برای بیرون کردن خارجی ها مپیوندند صحبت کنند.

تا جاییکه ارتباط طالبان و القایده مطرح است این روزها نه طالبان به القایده نیازمند است و نه القایده به طالبان. القایده به پاکستانی های شبیه لشکر طیبیه نزدیکتر است تا به افغانها . اگر مک کریستال بدنبال جهادیون القایده است باید بساطش را در کراچی پهن کند نه در هندوکش.

در تمام تابستان ۲۰۰۹ حدود ۲۰۰۰ سرباز آمریکایی و پیمان ناتو بدنبال طرح " پاکیزه گی، نگهداری و سازندگی" فقط توانستند یک سوم استان هلمند را به کنترل خود در آورند. طالبان کنترل حداقل ۱۱ استان را در افغانستان بعهده دارد. محاسبه اینکه لازمه کنترل ۱۰ استان دیگر چیست کار مشکلی نیست چه برسد به کنترل کل افغانستان ، شاید هم همانطور که فرماندهی نیروهای بریتانیا پیش بینی کرده است این کنترل تا سال ۲۰۵۰ طول بکشد . بیخود نیست که واشنگتن در ارقام مختلف غرق شده است ، ظاهراً مک کریستال تقاضا کرده است که تا قبل از سال ۲۰۱۵ تعداد ۵۰۰۰۰ سرباز بیشتر برایش بفرستند. اگر مک کریستال این سربازان را بدست نیاورد مجدداً برنامه بمبارانها و ایجاد جهنمی دیگر روی زمین از سر گرفته میشود.

#### نفاق بیانداز و کنترل کن

پنتاگون و ناتو هیچوقت خواهان یک پاکستان مستقل ، قوی و آرام نیستند. فشار واشنگتن هم روی پاکستان هیچوقت کم نخواهد شد اما در عین حال پنتاگون این ترس را هم دارد که پاکستان زیر فشاریسوی چین رانده نشود. سیاست گذارانی که در صندلی های چرمی شان جا خوش کرده اند آرزوی دولتی را در پاکستان درس میپوراندند که بتواند مشکل کشته شدگان درگیری ارتش پنجابی بر علیه پشتونها را حل کند . از نقطه نظر

بالکائیزه کردن افیک این چه فایده ای برای آمریکا دارد ؟ اتفاقاً نتیجه پر سودی برای آمریکا خواهد داشت - بیش از همه خنثی کردن تماس مستقیم مرزی بین خاک چین (شین جیانگ) و پاکستان برای دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان است (از طریق بندر گواتر در استان بلوچستان) .

منطق واشنگتن برای اشغال افغانستان - که همواره تحت پوشش " جنگ با تندروان اسلامی" اعلام شده - خواست پنتاگون برای کنترل تمام عیار این منطقه است: برای اعمال جاسوسی علیه چین و روسیه و تأسیس پایگاه های نظامی برای حمایت از خط لوله های انتقال انرژی در افغانستان و ضمناً شریک بودن در کنترل تجارت مواد مخدر افغانستان بهمراه خوانین محلی . هرونین ارزان بوضوح به روسیه ، ایران و به اروپای شرقی سرازیر میشود . این اتفاقی نیست که روسیه بیشتر خواستار جلوگیری از تریاک و هرونین افغانستان است تا برخورد با اصول گرایان اسلامی.

بگذارسیاست گذاران کار خود را بکنند. هفته گذشته در جلسه ای در سنای آمریکا در واشنگتن که در رابطه با حمله به افغانستان صورت گرفت مشاور امنیت ملی جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا یعنی . آقای زبگ نیف برژینسکی- کسی که افغانستان را تبدیل به ویتنام روسها کرد- اعتراف کرد که وی در سال ۲۰۰۱ دولت جرج دابلیو بوش را تشویق به حمله به افغانستان کرده است . وی اضافه کرد که به دونالد رامسفلد رئیس وقت پنتاگون نیز گفته است که آمریکا نباید در افغانستان مثل " ارتشی بیگانه" باقی بماند، همان چیزی که اکنون بچشم میخورد.

برژینسکی معتقد است که هنوز آمریکا نباید افغانستان را ترک کند . وی میگوید آمریکا باید از " تمام اهرمهای خود" برای درگیر کردن ناتو در افغانستان استفاده کند. تعجب آور نیست که برژینسکی نتوانست جلوی خود را بگیرد و نیت این " ماموریت" را فاش کرد و آن " لوله ستان" بود یعنی احداث " خط لوله انتقال انرژی از طریق افغانستان" بهر شکل ممکن .

ممکن است که چین ، هند و روسیه با یک راه حل منطقه ای - نه آمریکایی- برای افغانستان موافقت کنند اما هنوز با فرمولی که بتوان به سازمان همکاریهای شانگهای ارائه کرد نمیتوانند موافقت کنند . لی کین گونگ ، مرد شماره دو شورای مطالعات برنامه های امنیتی چین همواره روی این موضوع تکیه کرده است اما آمریکا میخواهد یک جابجه عمل کند.

اگر به تحقیقی که در سال ۱۹۹۷ توسط مؤسسه انتشاراتی بروکلین چاپ شد برگردیم میبینیم که جفری کمپ و رابرت هارکاو در تحقیق شان تحت عنوان " جغرافیای استراتژیک و خاور میانه در حال تغیر" منطقه ای را بنام " بیضی استراتژیک انرژی " مشخص میکنند که یک مرکز آن در دریای خزر و مرکز دیگرش در خلیج فارس است. این منطقه بیضی شکل بیش از ۷۰ درصد ذخائر نفت جهان و بیش از ۴۰ درصد ذخائر گاز طبیعی جهان را در خود دارد . این تحقیق مصر است که منابع موجود انرژی در این منطقه " کم جمعیت" توسط میلیاردها مردم فقیر ساکن جنوب آسیا " تهدید " میشود . بنابراین کنترل بر آسیای میانه مسلمان و افغانستان بعنوان دیوار در مقابل چین و هند ضروری است.

باین دلیل است که جنگ افروزان بر روی نظراتشان اصرار میورزند . آنها خواهان بالکائیزه کردن این منطقه هستند. باید "کنترل تمام عیار" خود را برای امنیت انرژی موجود در این ناحیه حفظ کنند . پنتاگون بخوبی میداند که افیک منطقه ای کلیدی است و پلی است که از سمت غرب به ایران و از سمت شرق به چین و هند وصل میشود ، پنتاگون همچنان میداند که ایران تمام انرژی نفتی را که چین و هند احتیاج دارند در دست دارد . نظریه "کنترل تمام عیار" بهیچوجه خواهان افیکی که ایران و چین و روسیه در آن نفوذ داشته باشند نیست.

در بازار مکاره جهانی افیک چیزهای رنگارنگی به چشم میخورد. در حالیکه بازی مک کریستال همه را بخود مشغول کرده ، چیزی که در پس پرده برای آمریکا مهم است این است که چگونه محاصره ایران، روسیه و چین را پیش ببرد . حقیقت این است که با تمام جدا کردن ها و بالکائیزه کردنها نام بازی اصلی افیک نیست. اینهمه هیاهو برای " بازی بزرگ جدید" ی است که کنترل اوراسیا را هدف خود قرار داده است.

این مقاله در تاریخ های ۶ و ۷ نوامبر ۲۰۰۹ در مجله آنلاین تایمز آسیا به چاپ رسیده است .

Globalistan: How the Globalized World is dissolving into Liquid War (Nimble Books, 2007) به په اسکویار نویسنده  
Obama does Globalistan کتاب اخیر وی میباشد و  
Red Zone Blues: a snapshot of Baghdad during the surge و  
به تازگی منتشر شده است. (Nimble Books, 2009)

## میکیس تنودور اکیس. آهنگساز



زنده دفنش میکنند و پای راستش را زیر شکنجه می‌شکنند  
، اما حاضر به تسلیم و امضاء ندامت نامه نمی‌شود.

موسیقی فولکلور یونان و آهنگ های گروه های کرکلیسای ارتدکس شهرهای کوچک نخستین مکتبی بود که ذوق موسیقی میکیس تنودور اکیس را در کودکی پرورش داد. هر چند که خودش نوشتن موسیقی فولکلور را در دهه ۶۰ آغاز کرد. اولین آهنگ هایش را وقتی نوشت که هنوز دسترسی به ابزار موسیقی نداشت و ورودش به مدرسه موسیقی همزمان بود با شروع مبارزه اش برای آزادی . ترکیبی که در سراسر عمرش ادامه یافته است. کسانی که با موسیقی آشنا هستند، در باره مقاومت پر شور او در مقابل حکومت سرهنگ ها ۱۹۷۴-۱۹۶۴ در باره هزاران کنسرت اوعلیه حکومت کودتا در سراسر جهان ، ملاقات او با آنده، همکاری او با پابلو نرودا ، تلاش او برای حل مسالمت آمیز مساله قبرس، تلاش او برای برقراری دوستی بین ترکیه و یونان و همکاری او با موسیقیدان ترک زولفو لیوانلی برای ایجاد پیوند فرهنگی بین دو ملت، ، از دوستی اش با اولوف پالمه و قطعه در خشنای که هنگام تشیع جنازه او به نام " درود بر آزادی " به نام پالمه ساخت، از تلاش خستگی ناپذیری اش برای دفاع از حقوق بشر، حفظ محیط زیست و صلح و.. شنیده اند. اما همه نمی‌دانند که تنو دور اکیس این بار را از جوانی میکشد.

در ۱۵ سالگی با ورود نیروهای موسولینی به یونان ، به عنوان عضو سازمان جوانان وطن پرست که توسط حزب کمونیست یونان سازمان داده شده بود نگهداری از زخمی ها را به عهده گرفت. در جبهه آزادی بخش ملی، در جبهه مقاومت ملی ، در مدرسه و خیابان ، با شعر و با شعار همراه پارتیزان ها علیه فاشیسم می‌جنگد. بارها دستگیر و به شدت شکنجه میشود، شکنجه و مرگ دوستان نزدیکش را با چشم های خود میبیند . جان خود او را، موسیقی نجات میدهد. با اینکه دانشجوی بود در اوراق هویتش نوشته شده بود: آهنگ ساز و آلمانی ها شیفته هنر بودند ، آخر قرار بود آنها جهان را تصاحب کنند و میخواستند از گنجینه های هنری شان نگه داری کنند! اما کاپیتان زکریای تنودور اکیس از ۱۹۴۲ که سروده شد، به سرود مقاومت در برابر فاشیست ها تبدیل شد.

جنگ پایان یافت اما یونان آزاد نشد. تنودور اکیس در جنگ داخلی باز همراه پارتیزان ها برای آزادی جنگید و بارها دستگیر و شکنجه شد ، باز مرگ دوستانش را به چشم دید، در یک تظاهرات علیه انگلیس که ۳۰ تن از همراهانش کشته شدند، پرچمی را به خون دوست بر خاک افتاده اش آغشت و به سنگر بازگشت، در یک تظاهرات در ۱۹۴۶ که مورد هجوم وحشیانه قرار گرفته تنهایی ایستاد و سرود کاپیتان زاکریاس را خواند. باز دستگیر شد، کتک خورد و چشم راستش زیر ضربات دژخیمان آزادی برای همیشه آسیب دید.

پس از بازگشت پادشاه و شروع ترور سفید تا شکست پارتیزان ها در ۱۹۴۹ باز دستگیری ، شکنجه ، تبعید شروع میشود. در همین سال است که با یانیس ریتسوس شاعر نامدار یونان ملاقات میکند. اولین سمفونی اش را پس از کار اجباری در تبعید گاه مینویسد. زنده دفنش میکنند و پای راستش را زیر شکنجه می‌شکنند ، اما حاضر به تسلیم و امضاء ندامت نامه نمی‌شود.

اکتبر ۱۹۴۹ پایان رسمی جنگ داخلی است. در ۱۹۵۰ از کنسرواتوار فارغ التحصیل میشود و به نام خدمت سربازی به تبعید فرستاده میشود. فشار چنان است که تصمیم به خودکشی با مواد انفجاری موجود در اسلحه میگیرد. او را به بیمارستان روانی

این مجموعه در سال ۱۳۸۲ وقتی که مبارزات مردم هنوز خیز برنداشته بود در سایت روشنگری درج شده بود ما از مقاومت دلیرانه سایر مردم جهان الهام گرفته و مطمئن بودیم مردم ایران سرانجام شهامتشان را باز یافته و رژیم تاریکی را به زانو در خواهند آورد. حالا که مبارزات مردم اوج جدیدی گرفته است جا دارد یک بار دیگر آن را بشنویم.

## بر ایرانیان گریه مکن!

در تهیه این مجموعه، ترانه های میهن تلخ، کسانی نقش بازی کرده اند که همگی برای آزادی تلاش کرده اند، یعنی میکیس تنودور اکیس، یانیس ریتسوس ، احمد شاملو و سرانجام خواننده توانا ماریا فاراندوری. بیشتر آنها حتی بخش اعظم عمر و کار خود را وقف دفاع از آزادی کردند و همه عمر به اصول آزادی و انسانیت وفادار ماندند. از آنجا که آزادی تقسیم پذیر نیست و بی تردید آزادیخواهانی این چنین تلاش برای آزادی را در سراسر تاریخ و سراسر گیتی پاس میدارند و از آنجا که احمد شاملو اشعار این مجموعه را برای ترجمه برگزیده است و این گزینش در آستانه اوج گیری فاشیسم در ایران از سر تفتن نبود ، میتوان به خود اجازه داد و هنگام زمزمه ترانه های میهن تلخ همه جا به جای یونان که در متن اصلی آمده است ایران گذاشت، تا این مجموعه یک بار دیگر رسالتی را که برای آن خلق شد بر عهده گیرد. با سپاس از دوستان عزیزم هدایت برای ارسال نوار و نودز برای مشارکت در تهیه این مجموعه.

سوسن آرام

## احمد شاملو مترجم



شاملو در مقدمه ترانه های میهن تلخ نوشته است:  
اشعار کوتاه این مجموعه - ترانه های میهن تلخ - نمونه بدیعی از " شعروموسیقی " مقاومت است در دوره هشت ساله حکومت سیاه سرهنگان بر یونان. از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ .  
یانیس ریتسوس نامی ترین شاعر متعهد یونان معاصر- خود در باره این مجموعه چنین نوشته است:  
" همه ی این اشعار ، به جز شانزدهمین و هفدهمین آن ها در یک روز ۱۶ سپتامبر- ۱۹۶۸ -در اردوگاه زندانیان سیاسی پارتیه نی (واقع در جزیره ی له رس) نوشته شده است.  
میکیس محرمانه پیغام فرستاده بود که می خواهد برای اشعار این روزگار موسیقی بسازد، و من این ها را نوشتم اما وسیله بی پیدا نکردم که به او برسانم. بعدها یک روز دیگر روی آن ها کار کردم: روز ۲۹ نوامبر ۱۹۶۹ در زندان کارلووآسی در جزیره ی ساموس ، تا به صورت امروزی شان در آمد...این قطعات به دلایل آشکار و نیز به علت وسواس های خودم در مورد ساده گی ناگزیر و آزردهنده یی که دارد می بایست به آهنگ خوانده شود نه این که فقط به چاپ رسد. قطعات شانزدهم و هفدهم نیز در اول ماه مه ۱۹۷۰ در زندان کارلووآسی به دیگر قطعات افزوده شد. همه شان را یکجا به میکیس تقدیم کرده ام."

میرفستند. میکس در ۱۹۵۱ به جبهه چپ دموکراتیک می پیوندد. سرانجام زیر فشار بین المللی به او اجازه میدهند به پاریس برود. میکس در پاریس کار میکند، اما زندانها در یونان پر است. او در ۱۹۶۰ به یونان باز میگردد. در آوریل ۱۹۶۷ کودتای نظامیان در یونان صورت میگیرد. میکس همان روز بیانیته ضد کودتا را مینویسد. خونتای نظامی آثار او را ممنوع و سرپیچی کنندگان را به محاکمه نظامی تهدید میکند. میکس باز هم دستگیر میشوندو زیر شکنجه میروندو به تبعید فرستاده میشود. در ۱۹۷۰ بار دیگر زیر فشار بین المللی آزاد میشود و به پاریس میروند. در آنجا به حکومت کلنل ها اعلان جنگ میدهد. جنگ دامنه داری که موسیقی او را به موسیقی مقاومت و نغمه آزادی در سراسر جهان تبدیل کرد و به بلندترین صدا علیه دیکتاتوری سرهنگ ها تبدیل شد. میکس تنودور اکیس بعد از شروع جنگ عراق سه بیانیته داد که در آنها همان روح همیشه جوان و پر شور، فریاد کوبنده خود را علیه زور بیداد بلند میکند و بشریت را به دفاع از صلح و آزادی فرامیخواند.

### یانیس ریتسوس



مترجم اشعار و نویسنده ی این یادداشت نکته ی دیگری به خاطرش نمی آید که تذکرش لازم یا مفید باشد، جز این که هیچ کس حتا برای یک لحظه نباید گرفتار این خوش خیالی باطل شود که با شکست آلمان هیتلری فاشیسم برای ابد به گور سپرده شده است یا با سرنگون شده حکومت سرهنگان در یونان، سرهنگان سراسر جهان بدین نتیجه ی تاریخی رسیده اند که سر نیزه و گلوله برای حکومت کردن وسیله ی قابل اعتمادی نیست. چرا که اوپاش و ارادل با مغز و منطق اندیشه نمی کنند و لاجرم از تاریخ چیزی فرا نمی گیرند.

این را همیشه به یاد داشته باشیم!  
شاملوی باریک بین در همین مقدمه لازم دید کلمات " توتالیترا" و "توتالیتاریسم" و " فاشیسم" را یک بار دیگر از فرهنگ داریوش آشوری بازخوانی کند.

### ماریا فاراند وری خواننده



ماریا فاراند وری بعد از کودتای نظامی در آوریل ۱۹۶۷ ناگزیر به زندگی در تبعید شد و با اجرای صدها کنسرت همراه میکس تنودور اکیس ، به یکی از سمبول های مقاومت و دموکراسی برای یونان تبدیل شد.

لوموند در باره ماریا فاراند وری نوشت: او چون بانو مد پترانه است. گاردین نوشت:"صدای او هدیه ای از سوی خدایان اولمپ است" و فرانسواز میتران در باره او گفت: " برای من ماریا یونان

است. تصویر الهه هرا هم اوست: قوی،خالص و بیدار. من هیچ هنرمند دیگری را نمی شناسم که چون او به کلمه والا معنی داده باشد."

ماریاخواننده ایده آل میکس تنودور اکیس است . وقتی تنودور اکیس او را کشف کرد فقط ۱۶ سال داشت کرد . هنرمند توانا به او گفت : " توکاهن من خواهی شد"

و از همکاری آنها آثاری بوجود آمد که موسیقی جهان را غنا بخشید و در همه جا با استقبال پرشور دوستداران هنر روبرو شد. آنها با هم اشعار شاعران بزرگ یونانی و غیر یونانی را به اجرا در آوردند.

ماریا فاراند وری در ۱۹۷۴ به یونان بازگشت و به کار خود ادامه داد. او از آن پس او با آهنگسازان برجسته گوناگونی همکاری کرده و اشعار شاعران مختلف از کشورهای جهان ، از جمله برتولت برشت را به اجرا در آورده است . همکاری با هنرمندانی از کشورهای مختلف و کار روی آثاری برآمده از فرهنگ های گوناگون به هنر او غنای ویژه ای بخشیده است. بطوریکه در باره کارهای ماریا فاراند وری گفته اند هنر او پلی زده است بین موسیقی مدرن و کلاسیک، یونانی و جهانی ، و اشعار فولکلور توده ای و نمونه های پیچیده ، پخته والای شعری .  
نوارهای موسیقی را میتوانید در سایت روشنگری بشنوید.

### بنا

- آن خانه را چه گونه پی خواهند افکند؟  
درهایش را چه کسی بر جای خواهد نشاند؟  
نه مگر بازوی کار

چنین اندک است  
و مصالح و سنگ

چندان سنگین است

که از جای

حرکت نمی توان داد؟

- خاموش باش!

دست ها

به هنگام کار

نیرو خواهد یافت

وشمارشان

افزون خواهد شد.

و از یاد میر که در سراسر شب

مرده گان بی شمارشان نیز

به یاری ما خواهند آمد.

\* پیوندها \*

سردبیر نشریه : منصور نجفی

[mansour.nadjifi@telia.com](mailto:mansour.nadjifi@telia.com)

ایمیل روابط عمومی سازمان

[public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com/>

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etehadchapp.org](http://www.etehadchapp.org)

سایت رادیو صدای کارگران ایران

[www.sedayekargar.com](http://www.sedayekargar.com)

نشر بیدار

[www.nashrebidar.com](http://www.nashrebidar.com)

نشریه انگلیسی ایران بولتن

[www.iran-bulletin.org](http://www.iran-bulletin.org)

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند، الزاما بیانگر مواضع سازمان نیستند.